

Research Article

Easy but Difficult's Literary Structure in Rahi Moeiri's Poetry

سهل وممتنع و کاربرد آن در اشعار رهی معیری

Hassan Shah Rahimi^{1*}, Mirwais Shamal²

^{1*}حسن شاه رحیمی، ²میرویس شمال

¹Head of Department of Persian/Dari, Faculty of Languages and Literature, Kabul Education University

آمر دیپارتمنت فارسی/ادری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل

²Department of Persian/Dari, Faculty of Languages and Literature, Kabul Education University

دیپارتمنت فارسی/ادری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل

DOI: 10.55559/smjppe.v1i02.239

Received: 15.09.2023 | Accepted: 03.12.2023 | Published: 10.12.2023

Electronic reference (Cite this article):

Rahimi, H. S., & Shamal, M. (2023). Easy but Difficult's Literary Structure in Rahi Moeiri's Poetry: سهل وممتنع و کاربرد آن در اشعار رهی معیری. *Sprin Multidisciplinary Journal in Pashto, Persian & English*, 1(02), 18–26. <https://doi.org/10.55559/smjppe.v1i02.239>

Copyright Notice:

© 2023 the Author(s). This is an open access article published by Sprin Publisher under the Creative Commons' Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence. <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

Abstract

The use of Easy but Difficult's literary structure in Rahi Moeiri's poetry is the subject of this study. This literary device appears straightforward and easy to understand at first, but if you try to state it that way, you may run into a lot of difficulties and roadblocks. Several well-known poets have utilized it in their works, most notably Saadi. This study's primary goal is to examine, identify, and quantify the significance of this literary device in Moeiri's poetry. An attempt is made to address the subject of what influences Moeiri's usage of this literary device in this essay. The descriptive-analytical techniques used in this study are based on library materials. It has been suggested that Rahi Moeiri has incorporated more of the art of abstinence into his poetry. What part does this art play in the poetry's power? Numerous studies have been conducted on Rahi Moeiri's literary persona; these include the well-known Parvin Dekht's article on the topic and theme of Rahi Moeiri's sonnets and Akbar Sayad Koh's analysis of Rahi Moeiri's status among modern poets as well as some of the poetic elements of his speech. But as far as the researcher search is concerned, no particular book or paper has been written regarding Rahi Meiri's usage of the simple yet challenging style in his poems. The results of this study demonstrate that he wrote in a straightforward manner, staying away from Saadi's quirks, and adhered to Saadi's style by not using easy yet difficult words. Although it is quite difficult to produce in this fashion, the poet seems to have represented very vast issues smoothly and eloquently, and the elegance of his poems has made his words appealing. has cemented his unique position among today's poets; conversely, his poetry has found an audience among the general public and garnered a large following.

Keywords: Easy but difficult, Rehi Moeiri, Sonnet, Content

چکیده

این پژوهش به بررسی صنعت ادبی «سهل وممتنع» و کاربرد آن در غزلیات رهی معیری می پردازد. سهل وممتنع هر چند در نگاه اول ساده و روان به نظر می رسد؛ اما اگر تلاش شود که مثل آن ساده و روان گفته شود،

ممکن نباشد. گوینده به مشکل و موانع زیادی مواجه می‌شود که بعضی از شاعران نامی خصوصاً سعدی در اشعارش آن را به کار برده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی و مشخص ساختن کاربرد صنعت سهل و ممتنع و اهمیت آن در اشعار رهی معیری است. در این نوشته کوشش بر آن است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌یی به این پرسش پاسخ داده شود که کدام عوامل باعث شده است تا صنعت سهل و ممتنع در اشعار رهی معیری بسامد بالایی داشته باشد و کاربرد این صنعت در قوت شعر وی چه نقشی دارد؟ از یافته‌های این تحقیق برمی‌آید که او با پیروی از سبک سعدی، صنعت سهل و ممتنع را به زبان ساده و رسا و به دور از حشو چنان ماهرانه و زیبا قلم‌فرسایی نموده که هر خواننده‌یی را مجذوب خود ساخته است. و چنان می‌نماید که شاعر موضوعات خیلی وسیع را به صورت سلیس، روان و جزیل بیان کرده است و همین برانزنده‌گی اشعارش باعث ماندگاری و جذابیت کلام وی گردیده و جایگاه وی را در میان شاعران معاصر ویژه و خاص نموده است. از سوی دیگر اشعارش به زبان عامیانه نزدیک است و در بین توده‌های وسیع مردم راه پیدا کرده و توانسته است علاقه‌مندان زیادی را به خود جذب کند.

کلید واژه: صنعت سهل ممتنع، رهی معیری، غزل، محتوا

مقدمه

یکی از شاعران معاصری که در سروده‌هایش تأثیرپذیری روش متقدمان به خصوص سعدی بیشتر به نظر می‌خورد، رهی معیری شاعر معاصر و پراوازه‌ زبان فارسی است. او که دارای حافظه قوی و علاقه‌مند به شعر بود؛ از ابتدای جوانی به مطالعه اشعار متقدمان روی آورده و تعداد زیادی از اشعار شاعران قدیم را از برداشت با توجه به آنها به سرودن شعر آغاز کرد؛ خصوصاً پس از ناکامی در عشق مریم فیروز با جدیت بیشتر وارد میدان کارزار شعر و شاعری گردید و در اشعارش موضوعاتی چون: صفا، صمیمیت، عشق، دوستی، نصیحت و دین را چنان با مهارت و استادانه به شیوه سهل و ممتنع به رشته تحریر در آورده است که هر خواننده‌یی را مجذوب می‌کند و باعث پایداری و ماندگاری شعر این شاعر شده است. ارزشمندی شعر رهی در بین سایر اشعار شاعران در این نهفته است که شعر او به زبان ساده، رسا؛ اما هنری و به دور از هر نوع تکلف و عام فهم سروده شده است که در آن خلایق، لطافت، زیبایی و احساسات انعکاس یافته است. رهی موضوعات مختلف را در قالب‌های ادبی متعدد سروده است. اشعار او که از پشتوانه فکری قوی بر خوردار است؛ پاکیزه و صاف سروده شده است. که به مشکل بتوان حتی یک مصراع سست و یا یک کلمه زائد را در آن یافت. این پاک بودن شعر او از حشو باعث ماندگاری شعر او شده و مخاطبان زیادی را به خود جذب کرده و هر خواننده‌یی را مجذوب ساخته است.

کاربرد صنعت سهل و ممتنع که یکی از ویژگی‌های خاص شعر سعدی شیرازی محسوب می‌شود. کاربرد این صنعت با وجود که ساده به نظر می‌آید در میان شاعران معاصر کمتر شاعران را سراغ داریم که از این صنعت به صورت گسترده و دقیق استفاده کرده باشد به جز از رهی معیری شاعر معاصر ایران که با توجه به سروده‌هایش مشخص می‌شود که او صنعت ادبی سهل و ممتنع را به صورت گسترده و دقیق در اشعارش به کار برده و استفاده از این صنعت ادبی باعث شده است که او در اشعارش مطالب و مضامین بدیعی را با در نظر داشت صورخیال زیبا و دلکش و آراسته به الفاظ و ترکیبات شیوا بیان کند. او در اشعارش واژه‌ها را با چنان مهارت و به دور از هر نوع حشو به طور طبیعی در جای مناسب به کار برده است که هر خواننده‌یی را شیفته خود می‌سازد. این کار او باعث شده تا شعرش در بین جامعه طرفداران و علاقه‌مندان زیاد پیدا کند.

با توجه به تحقیقاتی که توسط محققان در مورد اشعار رهی معیری صورت گرفته است، مشخص می‌شود که او در میان شاعران سده‌های اخیر خصوصاً غزلسرایان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و توانسته در اشعارش مطالب گوناگون اجتماعی، اخلاقی، دینی، عشقی و... را با زبان بدیع، زیبا، ساده و رسا و به دور از هر نوع تکلف در قالب‌های مختلف ادبی با استفاده از صنعت سهل و ممتنع به رشته تحریر درآورد و اشعارش را زبانه‌زد خاص و عام سازد. با توجه به خلاقیت و زیبایی که در شعر معیری وجود دارد، ایجاب تحقیقات زیادی را می‌نماید. تا بیشتر بر ساختار ادبی خصوصاً در مورد اهمیت کاربرد صنعت ادبی سهل و ممتنع در اشعار این شاعر و الامقام تحقیقاتی بیشتر صورت گیرد تا اهمیت و جایگاه صنعت سهل و ممتنع در اشعار او بیشتر بر ملا شود.

پیشینه تحقیق

در ادامه برای پرهیز از درازگویی فقط به مهم‌ترین تحقیقاتی که درباره رهی معیری انجام شده است، می‌پردازیم. پروین دخت مشهور مقاله تحت عنوان «موضوع و مضمون در غزل رهی معیری» (1390) به موضوع و مضمون در غزل رهی معیری پرداخته است؛ اکبر صیادکوه تحقیقات تحت عنوان «جایگاه رهی معیری در میان شاعران معاصر و تحلیل برخی از جنبه‌های هنری سخن او» (1384) جنبه‌های هنری شعر رهی معیری را به بررسی گرفته است؛ رضا براهنی (1347) در کتاب «طلا درمس» (1375) به برخی ویژگی‌های شعری وی توجه کرده است. محمدحقوقی در کتاب «مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران» (1388) به زندگی و شعر رهی معیری پرداخته است؛ مصطفی رحیمی‌نیا در کتاب «زندگی‌نامه یکصد و ده تن از شاعران، نویسندگان و دانشمندان» (1385) به شرح زندگی معیری پرداخته؛ شجاع‌الدین خراسانی در کتاب «حجره سبز غزل رهی معیری» (1390) گفت است که غزل‌های معیری علاوه بر اینکه سوز و گداز و شور حال غزل‌های حافظ و سعدی را دارد، از لحن و آهنگ مکتب هندی نیز بی‌توجه نبوده است؛ سعادت اسماعیل در کتاب «دانشنامه زبان و ادب فارسی» (1388) به این باور است که درسبک هندی یافتن معنی و بستن مضمونی که به ساده‌گی به ذهن مخاطب نیاید و اعجاب و تحسین او را برانگیزد، دغدغه بزرگ می‌دانست.

قابل یادآوری است که در زمینه بررسی عنصر سهل ممتنع در غزل‌های رهی معیری تا حال تحقیق انجام نشده است؛ از این جهت پژوهش حاضر با کارهای انجام شده کاملاً متفاوت است.

شخصیت ادبی رهی معیری

محمدحسن بیوک معیری، متخلص به رهی، شاعر و غزلسرای مشهور و پراوازه معاصر ایران فرزند محمدحسن معیری ملقب به موید خلوت و از اعقاب عارف ربانی بایزید بسطامی در دهم ماه ثور سال (۱۲۸۸ش) پس از وفات پدر در تهران چشم به جهان گشود. وی به حمایت مادر فرزانه خویش دوره آموزش خود را در مدرسه ثروت آغاز و پس از گذراندن دوره ابتدایی وارد دوره متوسطه در دبیرستان دارالفنون شد و بعد از اتمام تحصیل به خدمت دولت درآمد. و در شهرداری تهران سال‌ها مشغول کار بود و بعد در مشاغل دیگر چندی انجام وظیفه کرد و در سال 1322 به ریاست انتشارات و تبلیغات پیشه و هنر منصوب گردید و سرانجام در سال ۱۳۴۷ش چشم از جهان فرو بست و در آرامگاه ظهیرالدوله شمیران به خاک سپرده شد و بر سنگ مزارش این قطعه نوشته شده است:

الا، ای رهگذر، کز راه یاری قدم بر تربت ما می‌گذاری
در اینجا، شاعری غمناک خفته است رهی در سینه این خاک خفته است

(رحیمی نیا، 1385: 361)

رهی معیری نظریه علاقه‌مندی خاص که به هنر شعر، موسیقی و نقاشی داشت از آغاز جوانی به آموزش این هنرها پرداخت و با شنیدن ساز و آواز استادان قدیم، با ردیف‌های موسیقی قدیم نیز آشنایی کامل پیدا کرد و با جدیت به شاعری روی آورد و به تدریج ذوق شاعرانه‌اش در معاشرت با ادبا و شاعران نامی و شرکت در انجمن‌های ادبی خصوصاً پس از شکست او در عشق مریم فیروز، شکوفاتر شده و غرق در هنرش بود. همین پایبندی به هنر، شاید به او مجال ازدواج نداده باشد. رهی در قالب‌های مختلف شعر خصوصاً غزل بیشتر طبع آزمایی کرد و به همین سبب او را بیشتر به عنوان شاعر غزل سرا می‌شناسند (رهی معیری، 1371، ص 93).

کاربرد صنعت سهل و ممتنع در اشعار رهی معیری

صنعت سهل و ممتنع است (ترکیب عطفی مرکب) (اصطلاح بدیح) آن است که ربط کلام و سیاق آسان نماید، اما مانند آن هر کس نتوان گفت بسبب سلاست و جزالت و گنج‌اندیدن معانی بسیار در الفاظ اندک. قطعه‌ای (شعر یا نثر) که در ظاهر آسان نماید ولی نظیر آن گفتن مشکل باشد (دهخدا، 1377، ص. 13859). در حقیقت کاربرد این صنعت در نگاه اول آسان به نظر می‌رسد؛ اما در واقع با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شده و یا اساساً امکان انجام آن وجود نداشته باشد.

رهی معیری از جمله شاعران معاصر و از کسانانی است که در اشعارش از صنعت سهل و ممتنع به گونه وسیع استفاده کرده است. او که از ابتدای زنده‌گی از حافظه قوی برخوردار بود و هزاران بیت از اشعار شاعران متقدم و متأخر را مطالعه و در حافظه داشت؛ در سرودن اشعارش، از شعرای متقدم، به ویژه سعدی، پیروی می‌کرد (نجف زاده بار فروش، 1367، ص. 27). اما از جهات گوناگون از حافظ، مولوی و صائب تبریزی نیز متأثر بود و در غزلیاتش از غزل وحشی و اسیر نیز استقبال کرده است (رهی معیری، 1387، ص. 15). با وجودی که بعضی از شاعران غرب خصوصاً شاعران فرانسوی؛ مانند: شارل بودلر و پل والری، ابهام و پیچیده‌گی در شعر را اصلی کلی می‌دانند و کلامی را که ابهام نداشته باشد شعر نمی‌دانند (عالی، 1390، ص. 9). اما رهی توانسته است اشعارش را مانند سروده‌های سعدی ساده و روان همراه با آرایه‌های لفظی و معنوی، یعنی سهل و ممتنع بسراید؛ مانند:

چون زلف توأم جانا، درعین پریشانی چون باد سحر گاهم در بی سروسامانی
من خاکم و من گردهم، من اشکم و من دردم تو مهری و تو نوری، تو عشقی و تو جانی

(رهی معیری، 1388، ص. 153)

به کاربردن کلمات زلف، جانا، پریشانی، باد سحرگاه، بی سروسامانی در مصراع اول و دوم و واژه‌های خاک، گرد، اشک و درد و کلمات مهر، نور، عشق و جان در مصراع سوم و چهارم با چه ساده‌گی ولی با چه زیبایی به کار رفته و شعر را معنای خاص داده است و این امر مشخص می‌سازد که هرگاه در شکل ذهنی شعر، وقتی زینت جای حقیقت را بگیرد و خوشگلی آراسته و تصنعی، جان‌شین حقیقتی زیبا و حادثه‌انگیز شود، فاجعه‌ی ناپسند به وجود می‌آید (براهنی، 1347، ص. 55).

ناصرم گوید صبوری پیشه‌کن در عشق دوست گریه‌بوری به شود درد تو اما کی شود؟
با قضای آسمان تدبیر ما بی حاصل است خس حریف موج طوفان خیز دریا کی شود

(رهی معیری، 1388، ص. 60).

در این شیوه رهی ضمن تأثیرپذیری از سعدی، بی آنکه دچار تعقید و پیچیده‌گی‌های سبک هندی شود، به مضمون آفرینی‌ها و نازک‌خیالی‌های سبک هندی توجه خاصی داشته، در حال که درسبک هندی یافتن معنی و بستن مضمونی که به سادگی به ذهن مخاطب نیاید و اعجاب و تحسین او را برانگیزد، دغدغه بزرگ بود (سعادت، 1388، ص. 600). اما رهی توانسته است بسیاری از مضامین بدیع و صورخیال زیبا را در قالب الفاظ زیبا و ترکیبات شیوا به گونه سهل و ممتنع بیان کند که از این لحاظ، بر شاعران سبک هندی نیز برتری یافته است؛ مانند شعر زیر:

وادی عشق از گل شادی تهی باشد ولی خار محنت روید از صحرای محنت خیز او
گردن افرازد حباب از خود پرستی ها ولی از نسیمی نیست گـردد مستی نا چیزما

(رهی معیری، 1388، ص. 143)

وادی عشق، گل شادی، خار محنت، صحرای محنت خیز، گردن افرازد حباب از جمله ترکیبات بدیع است که از واژه‌های ساده اما به معنای وسیع به کار برده شده است؛ مانند شعر زیر:

سیاهی از رخ شب می‌رود، ولی از دل نمی رود غم دیرینه یی که من دارم
تو اهل درد نه‌ای، و رنه آتشی جان‌سوز زبانه می‌کشد از سینه‌یی که من دارم

(رهی معیری، 1388، ص. 124)

واژه‌های سیاهی از رخ شب، اهل دل، آتش جان‌سوز و زبانه می‌کشد از سینه، با دقت ترکیب و به کار برده شده است. او علاوه بر طبع شاعرانه و آشنایی با موسیقی، امتیاز شعر او در ساختار زبان و پیوند آن با قالب شعری و خلق تصاویر قوی همراه با آرایه‌ها و تعابیر دلنشین با زبان سهل و آسان اوست؛ به‌طور مثال در شعر زیر که خودش را به تازی پرنیان و معشوقه‌اش را به پرنیان‌پوش تشبیه کرده است:

به دشواری توان دیدن وجود ناتوانم را به تازی پرنیان —انم زعشق پرنیان پوشی
به چشمت خیره گشتم کز دلت آگه شوم اما چه رازی می‌توان خواند از نگاه سرد خاموشی

(رهی معیری، 1388، ص. 160)

به عبارتی دیگر، رهی در وهله اول در سرودن شعر، به سادگی و زیبایی بیان و پس از آن به دیگر عناصر صوری و معنوی شعر توجه داشته؛ مانند شعر زیر که با به کاربردن واژه‌های زلف، عارض به عنوان مشبه در مصراع اول؛ سپیدی و سیاهی ضمن تضاد در مصراع دوم به عنوان مشبه به و در مصراع سوم سرخی روی خود را به سرخی گل لاله تشبیه کرده با زبان ساده؛ اما به معنای زیبا و مناسب به کار رفته است.

چون زلف و عارض او، چشمی ندیده هرگز صبحی بدین سپیدی، شامی بدان سیاهی
داغم چولاله ای گل از درد من چه پرسی مردم زمحنت ای غم، از جان من چه خواهی

(رهی معیری، 1388، ص. 152)

در اشعار رهی مفاهیم و مضامینی چون: عشق، شوریدگی وارسته‌گی، بی‌نیازی، بلندهمتی، باورهای دینی با مهارت خاص بدون از هر نوع حشو؛ اما با زبان ساده و رسا بیشتر به نظر می‌خورد؛ به‌گونه مثال از اشعار عاشقانه:

گر ترا با ما تعلق نیست ما را شوق هست و ترا بی ما صبوری هست، ما را تاب نیست
گفتی اندر خواب بینی، بعد از این روی مرا ماه من در چشم عاشق آب هست و خواب نیست
(رهی معیری، 1388، ص. 35).

شاعر در مصراع اول نیت خود را و در مصراع دوم و چهارم حالت خود را با به کاربردن کلماتی مانند صبوری، تاب، خواب، چشم، آب و روی، به گونه ساده اما رسا بیان نموده است و همچنان نمونه‌یی از اشعار او در مورد شوریده‌حالی:

اگر چه رفت غبارم به راه او برباد زگرد حادثه، بر دامنش غبار مباد
دلم ز داغ جدایی، چو شمع می سوزد به داغ هجر عزیزان، کسی دچار مباد
(رهی معیری، 1388، ص. 83).

شاعر دوری از معشوقه را با به کاربردن تشبیه به زبان ساده؛ اما پر مفهوم، یعنی سوزدل خود را با استفاده از سوختن شمع به تصویر کشیده است و همچنان در مورد بی‌نیازی و استغنائی خویش گفته است:

زر پرستی خواب راحت را ز رنگس دور کرد صرف عشرت میکنم گر یک درم باشد مرا
خواهش دل هر چه کمتر، شادی جان بیشتر تا دلی بی آرزو باشد، چه غم باشد مرا
(رهی معیری، 1388، ص. 20).

یعنی هر قدر خواهشات نفسانی و توقع انسان کم باشد به همان اندازه روح انسان راحت بوده و فارغ‌بال زنده‌گی می‌کند. برخی از درون‌مایه‌های شعر رهی را ارزش‌های اخلاقی و عناصر مذهبی تشکیل می‌دهد؛ به طور نمونه در مورد معرفی پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی^(ص) با آوردن کلمات ساده مانند: شاه دین، خواجه لولاک، سرور عالم، خواجه دو جهان و ذکر کلمه فرقان مبین به عنوان معجزه پیغمبری هدف خود را مشخص نموده است.

شاه دین، خواجه ی لولاک، محمد که دوکون بر میان بسته چو جوزا، کمر چاکریش
سرور عالم خواجه دو جهان، آنکه خدای کرده فرقان مبین، معجز پیغمبرش
(رهی معیری، 1388، ص. 203).

و گاهی در اشعار رهی با ترکیب‌هایی مواجه می‌شویم که متأثر از تعالیم هنری و ادبی اوست؛ مانند به کاربردن کلمات شاخ گل و نازک‌تنی در مصراع اول و سایه نیلوفری بر سوسنی در مصراع دوم:

در چمن، چون شاخ گل نازک‌تنی افتاده است سایه نیلوفری، بر سوسنی افتاده است
چون مه روشن که تابد از حریر ابرها ساق سیمینی برون از دامنی افتاده است
(رهی معیری، 1388، ص. 51).

امتیاز شعر رهی گذشته از سلامت شوق و سرشاری شور شاعرانه، در ساختار زبان و پیوند قالب شعر است که در عین فصاحت، ملیح و در عین ملاحظت فسیح است (حقوقی، 1388، ص. 515). مانند شعر زیر:

عکس اودراشک من، نقش خیال انگیز داشت
ماه سیمین، جلوه ها در موج دریامی کند
از طربناکی به رقص آید سحرگه چون نسیم
هرکه چون گل خواب در آغوش صحرا می کند
(رهی معیری، 1388، ص. 74).

رهی شخصیتی بود که تقریباً همه صاحب نظران در مورد ویژگی های هنری سروده های او اتفاق نظر دارند. به گفته غلام حسین یوسفی: «شعرا و از مزیت بارز پاکیزگی و زدودگی الفاظ و حسن اسلوب و گرمی و طراوت زبان دلپذیر است.» (یوسفی، 1370، ص. 511).

خاک پاک آن تهیدستم که چون ابر بهار
بر سر عالم فشانند هر چه پیدا میکند
دیدۀ آزاد مردان سوی دنیای دل است
سفله باشد آن که روی دل به دنیا میکند
(رهی معیری، 1388، ص. 74).

عشق و دل بسته گی رهی به آثار سعدی، و پیروی از سبک او، سخنان او را از حال و هوای زیبایی و فصاحت شیوه سخن او برخوردار ساخته تا جایی که در شعرش نسیم با طراوت بوستان و گلستان سعدی وزیدن گرفته و گویی شیوه بی مانند «سهل و ممتنع» شیخ اجل در غزل هایش متجلی شده است. به گفته مؤتمن: «رهی معیری با آن که سوز و گداز و شور حال غزل های حافظ و سعدی را دارد، لحن و آهنگ مکتب هندی را نیز به خاطر می آورد» (خراسانی، 1390، ص. 160).

گرشود آن روی روشن جلوه گر هنگام صبح
پیش رخسارت کسی بر لب نیارت نام صبح
از بناگوش تو و زلف توام آمد به یاد
چون دمید از پرده شب، روی سیمین فام صبح
(رهی معیری، 1388، ص. 60).

وی مانند پیشوای شوریده خود چون عاشقی سوخته جان، درد بی دلان سرگشته را به خوبی درک و با آنان همدلی کرده و با ساده گی و روانی، همراه با نوپردازی های ویژه خود که همانا ذکر خیال انگیزی، جان پرور، بوی گل، عیب، زیبایی، دل بسته گی با آئینه، طاقت سوز عاشق تر از ما زیبایی معشوق را به تصویر کشیده چنین سروده است:

خیال انگیز و جان پرور چو بوی گل سراپایی
نداری غیر از این عیبی که می دانی که زیبایی
من از دل بسته گی های تو با آئینه دانستم
که بر دیدار طاقت سوز خود عاشق تر از مایی
(رهی معیری، 1388، ص. 157).

غزل های پر جوش و خروش رهی پس از سعدی و حافظ و صائب، یاد آور شیوه مولانا نیز هست که با زبان ساده و رسا و به دور از هنرنوع تکلف سروده است به گونه مثال در اشعار زیر با آوردن کلمات ساده بی مانند: بی دردان، فریاد بی حاصل، شکوه دل و یار صاحب دل، گل، رسوا و گریه در محفل از نظر مفهومی شباهت های زیادی با شعر مولانا دارد:

در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم
گر شکوه بی دارم ز دل با یار صاحب دل کنم
در پرده سوزم همچو گل در سینه جوشم همچو مل
من شمع رسوا نیستم تا گریه در محفل کنم
(رهی، 1388، ص. 130)

او همچنان حال و هوای عرفانی و وارسته‌گی روحی خود را با آوردن کلمات روشن دلی، ناله‌های نیم‌شب را به زبان ساده و عام‌فهم و به دور از هنرنوع تکلف بیان نموده است؛ مانند:

یافتم روشن دلی از گـریه‌های نیم‌شب
شاهد معنی که دل سرگشته از سودای اوست
خاطر چون شمع دارم از صفای نیم‌شب
جلوه برمن کرد در خلوت سرای نیم‌شب
(رهی معیری، 1388، ص. 27)

رهی معیری در واژه‌سازی نیز تبصری خاص داشته است؛ مثل کلمات اشک خونین، گل به دامان، نفس چون غنچه، سردرگریبان، موج دریا، ساحل آرام، چنگ نالان، شمع گریان، جام خندان در اشعار زیر:

هر شبم از اشک خونین گل به دامان باد وهست
موج این دریا، نجوید ساحل آرام را
هر نفس چون غنچه‌ام، سردر گریبان باد وهست
طاقت و آسوده‌گی، از من گریزان باد وهست
هر که را در محفل هستی، نصیبی داده‌اند
چنگ نالان، شمع گریان، جام خندان باد وهست
(رهی معیری، 1387، ص. 54)

نتیجه گیری

نتیجه این تحقیق روشن می‌کند، آن‌چه که باعث موفقیت انسان در مسیر زندگی می‌شود، علاقه‌مندی، پشتکار، توانمندی و انگیزه است که انسان با داشتن این ویژگی‌ها می‌تواند به سر منزل مقصود خویش برسد. از جمله شخصیت‌هایی که این ویژگی‌های هنری در او متجلی بود، می‌توان از رهی معیری نام برد، او که از آوان کودکی به موسیقی، نقاشی و شعر علاقه خاص داشته و از آغاز جوانی آگاهانه به آموزش هنرهای یادشده پرداخته و در محافل و مجالس ادبی حضور فعال داشته و با علمای نامی زمان خویش تبادل افکاری می‌گرد و همواره آثار ادبی متقدمان مانند فرخی، نظامی گنجوی، مولانا، حافظ، سعدی و صائب... مورد مطالعه او بود با توجه به شکست عشق و علاقه او به شعر سبب شد تا به سرودن شعر روی آورد و در سرودن شعر با تأثیرپذیری از آثار متقدمان خصوصاً سعدی بتوانمندی و خلاقیت خاص باگزینش واژه‌ها، ترکیب‌ها و صور خیال.. آگاهانه پا در عرصه شعر گذاشت. او همچنان به اشعار مولانا توجه خاص داشته و در ترکیب و نازک خیالی‌ها، مکتب هندی و صایب را همواره مدنظر داشته و بهتر از مکتب هندی برخلاف بعضی از صاحب نظر که پیچیده‌گی را در شعر بیشتر تأکید داشتند، شعر سروده است. آن‌چه که رهی معیری را نسبت به سایر شاعران هم‌عصرش برتری داده همان کاربرد صنعت سهل و ممتنع با پیروی از سعدی در اشعارش است، که به زبان ساده و رسا و به دور از حشو چنان ماهرانه و زیبا قلم‌فرسایی نموده است که هر خواننده را مجذوب خود ساخته است و علاقه‌مندان زیادی را به خود جذب کرده است و همین برانندگی اشعار او از جایگاه والایی برخوردار باشد.

- براهنی، ر. (1347) طلا در مس، چاپ دوم، تهران: چاپخانه کاروان.
- حقوقی، م. (1388). مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروزیان. جلد دوم، تهران: قطره
- دهخدا، ع. ا. (1277). لغت نامه، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- رحیمی نیا، م. (1385). زنده گی نامه یکصدوده تن از شاعران، نویسندگان و دانشمندان، تهران: انتشارات جهان آرا.
- خراسانی، ش. (1390) حنجره سبز غزل، کابل: انتشارات تاک.
- سعادت، ا. (1388) دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران: خجستگان.
- عالی عباس آباد، ی. (1390). جریان شناسی شعر معاصر، تهران: سخن.
- معیری، ر. ح. (1388). دیوان رهی معیری، سایه عمر، تهران: الهام.
- نجف زاده بار فروش، م. ب. (1376) زنده گی وطنز رهی معیری، تهران: انتشارات سوره.
- یوسفی، غ. ح. (1370). چشمه روشن، چاپ سوم. تهران: علمی.